

روزنه

چرا دادگاه غیرعلنی؟

● **ایلنا:** احمد توکلی در کانال تلگرافی خود با اشاره به پرونده یاشار سلطانی نوشت: دیروز برای شرکت در دادگاه آقای یاشار سلطانی به شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی تهران رفتم. در ملاقات با رئیس محترم دادگاه و پس از چاق سلامتی معمول که با خوش رویی و بزرگواری وی همراه بود، از من پرسید شما به چه عنوان به اینجا آمده‌اید؟ شاهد، مطلع، شاکي؟ عرض کردم هیچ‌کدام. تماشاچی! خندید و گفت دادگاه غیرعلنی است! تعجب کردم و گفتم نه قانونی است نه مصلحت. ولی وقت و مقام اقتضای بحث نداشت. خداحافظی کردیم و برگشتیم. دراین باره چند نکته قابل ذکر است. نمی‌دانم چرا آقای صلواتی که قاضی باسابقه و مجربی است به این نتیجه رسید که دادگاه انقلاب با این شکل، صالح برای رسیدگی به پرونده یک روزنامه‌نگار است. احتمالا به ماده ۳۴ مطبوعات استناد کرده است که مقرر می‌کند «۳۴- رسیدگی به جرائم مطبوعاتی با توجه به قوانین مربوط به صلاحیت ذاتی می‌تواند در محاکم عمومی و انقلاب یا سایر مراجع قضائی باشد. در صورت علنی بودن و حضور هیئت منصفه الزامی است». ملاحظه می‌فرمایید که با صراحت می‌گوید، اگر به این ماده هم متمسک شده باشد: «در صورت علنی بودن و حضور هیئت منصفه الزامی است». پس در هر صورت دادگاه یک روزنامه‌نگار به سبب جرم مطبوعاتی، حتی اگر جرم ضدامنیتی بوده باشد و به همین دلیل دادستان پرونده را به دادگاه انقلاب ارجاع دهد، دادگاه تنها با حضور هیئت منصفه و به شکل علنی رسمیت پیدا می‌کند.از حیث مصلحت هم اگر نگاه کنیم، صلاح قوه قضائیه و کشور به حکم علنی بودن دادگاه است. اعتماد مردم سرمایه اصلی قوه قضائیه است. در پرونده‌ای که شاکي قوه قضائیه و متهم یک روزنامه‌نگار است، حتی اگر دادستان محترم مجاز به انتخاب بود- که در اینجا چنین اجازه‌ای هم ندارد- برای آنکه متهم نشود که قصد پنهان‌کاری است و اعتماد مردم به حکم دادگاه، هرچه می‌خواهد باشد، تقویت می‌شود. رفتار قوه باید چنان باشد که مردم احساس کنند قوه نمی‌خواهد به هر طریق منتقد خود را ساکت کند. راه آن هم علنی‌کردن دادگاه است. چراکه شفافیت نشانه اعتمادبیهش است. اجازه‌دهنده علنی بودن خواهد بود و برعکس، اگر غیرعلنی باشد، نشانه ضعف و نگرانی منع‌کننده خواهد بود. انتظار این است که جلسات بعدی دادگاه را علنی کنند.برخی با پیش‌کشیدن گرایش سیاسی آقای یاشار سلطانی من را ملامت کردند که چرا در این ماجرا مایه می‌گذاری؟ به این دسته از منتقدان عرض می‌کنم اگر ما مسلمانیم و به آزادی‌بنندگان خدا معتقدیم و انقلابی طرفدار نظام جمهوری اسلامی هستیم و حفظ آبروی نظام را واجب می‌دانیم و قانون را مانند احکام شرع واجب‌الاتاع می‌شماریم، باید از مظلوم دفاع کنیم و با نقد حاکمان وظیفه امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر را به جا آوریم. آقای یاشار سلطانی بر فرض منتقدان اشکالی هم داشته باشد، تازه می‌شود مانند من و منتقدان که اشکالات زیادی داریم، ولی مسلمان است. ایرانی است، شهروند تابع نظام جمهوری اسلامی است و به نظر بنده مظلوم است و دفاع از مظلوم هر که باشد واجب است. اگر امروز کسانی در قبال نقض قانون- ولو با خیرخواهی و از سر غفلت- سکوت کنند، باید منتظر حاکم‌شدن اشرار بر سرنوشت ملت باشد.

ادامه از صفحه ۲

نوبخت حقیقی

احمد توکلی: در سال ۱۳۳۰ در بهشهر به دنیا آمد. او سخنگوی دولت شهید محمدعلی رجایی و وزیر کار و امور اجتماعی مستعفی کابینه اول میرحسین موسوی بوده است. او در دوره اول مجلس نماینده بهشهر و در دوره‌های هفتم تا نهم نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی بود. او ابتدای دوره هفتم تا اوایل دوره نهم، ریاست مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی را بر عهده داشته است. او در انتخابات ششم و هفتم ریاست‌جمهوری کاندیدا بود. **سیدعطاالله مهاجرانی:** سال ۱۳۳۳ در اراک به دنیا آمد. او نماینده شیراز در دوره اول مجلس شورای اسلامی، معاون پارلمانی نخست‌وزیر در دوران نخست‌وزیری میرحسین موسوی، معاون پارلمانی رئیس جمهور در دوران ریاست‌جمهوری آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و سخنگوی دولت در دوره اول ریاست‌جمهوری محمد خاتمی بود. **عبدالله رمضان‌زاده:** سال ۱۳۲۰ در کچساران به دنیا آمد. او در دولت اول محمد خاتمی، استاندار کردستان و در دولت دوم او دبیر و سخنگوی هیئت دولت بود. رمضان‌زاده پیش از این رئیس اداره طرح و برنامه وزارت کشور و مدیر کل سیاسی وزارت کشور بود.

غلامحسین الهام: در ۱۳۳۸ در اندیمشک به دنیا آمد. او حقوق‌دان شورای نگهبان، سخنگوی دولت محمود احمدی‌نژاد، وزیر دادگستری و رئیس ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز بوده است. او در مرداد

۱۳۸۹ ازسوی احمدی‌نژاد به‌عنوان مشاور حقوقی رئیس‌جمهور منصوب شد و در ۱۰ آبان سال ۹۱ مجدداً به‌عنوان سخنگوی دولت انتخاب شد.

روز گذشته هتل «سوئیس» استانبول میزبان نشست فوق‌العاده سازمان همکاری اسلامی بود. در این نشست، وزیران امور خارجه ۴۴ کشور اسلامی درباره موضوع قدس و فلسطین صحبت کردند. محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران، روز سه‌شنبه در رأس هیئتی به ترکیه رفت. هنگام ورود ظریف به سالن نشست، عادل الجبیر، وزیر امور خارجه عربستان، با هدف مصافحه به‌سوی او آمده و پس از درآغوش‌کشیدن او با هم گفت‌وگو کردند؛ لحظه‌ای که دوربین‌های خبرنگاران آن را ثبت و ضبط می‌کند. بعد از انتشار این عکس در صفحات مجازی، ظریف در گفت‌وگو با خبرگزاری صداوسیما، این اقدام همتای سعودی خود را عادی و حرکتی در چارچوب عرف دیپلماتیک توصیف کرد و گفت: «دلیل این کار هم احترام متقابل و هم دوستی دیرینه‌ای بود که با جبیر داشتیم». این دومین بار است که «مصافحه» ظریف سبب می‌شود که مجبور به توضیح شود؛ یک‌بار زمانی بود که ظریف در موقع مذاکره درباره پرونده هسته‌ای ایران با باراک اوباما، رئیس‌جمهوری آمریکا، دست داد و احوالپرسی کرد و این‌بار با همتای سعودی خود. رابطه ایران با هر دو کشور رابطه‌ای سرد و تنش‌آلود است. اگر تاریخ قطع رابطه سیاسی ایران و آمریکا به ۱۲ آبان ۱۳۵۸ برمی‌گردد؛ زمانی که گروهی از دانشجویان چهار دانشگاه تهران به نام را «دانشجویان مسلمان پیرو خط امام» می‌نامیدند، سفارت ایالات‌متحده آمریکا در تهران را تسخیر کردند و دیپلمات‌های حاضر در ساختمان را به گروگان گرفتند؛ تیرگی روابط ایران و عربستان هم به سرنوشت سفارت این کشور در ایران گره خورده است. به ۱۲ دی و پس از اعدام شیخ نمر، روحانی شیعی در عربستان که در آن عده‌ای به سفارت عربستان حمله کردند؛ اگرچه بارها دولت و وزارت امور خارجه با این اقدام خودسرانه مخالفت کرد.رابطه ایران و عربستان فرازوفروذ دیگری هم دارد. تا زمانی که آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی و امیر عبدالله هر دو زنده بودند، این روابط به شکل عادی ادامه داشت و در زمان بروز مشکلات جدی، آنها پادمرانی می‌کردند و بعد از فوت امیر عبدالله، پادشاه تازه، شوالی سلطنت بر تن کرد و ساز ناوک دیگری را کوک کرد؛ او در فکر قدرت منطقه‌ای با روش حذف یا تضعیف ایران در منطقه است.

عربستان کشور مهمی است

بارها عادل الجبیر، وزیر امور خارجه عربستان، به ایران اتهام «همدستی با داعش و القاعده» را زده است و مدعی شده ایران به حقوق بین‌المللی احترام نمی‌گذارد؛ اما این ایران نیست که دنبال تنش در منطقه است. دلیل این گفته، این است که چند روز قبل «علی‌اکبر صالحی»، رئیس سازمان انرژی اتمی، در گفت‌وگو با روزنامه «همشهری» می‌گوید: عربستان متأسفانه دچار یک توهم دشمنی از طرف ایران است، به عقیده من، او نسبت

آقاجری، توفیق و مالجودر نشست «مشروطیت، ما و اکنون»

همچنان در سایه مشروطه

فروغ موحذاده:

با نزدیک‌شدن به سالگرد انقلاب مشروطه، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، عصر دوشنبه، نشست با عنوان «مشروطیت، ما و اکنون» برگزار کرد.



سخنران این مراسم هاشم آقاجری، ابراهیم توفیق و محمد مالجو به ترتیب به بررسی ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مشروطیت و تاثیر آن در شرایط کنونی پرداختند. آقاجری مشروطه را ثمره حضور آحاد ملت از تاجران و پیشه‌وران تا روحانیون و منورالفکران در ۱۱۱ سال پیش دانست و گفت: «شکاف‌های موجود میان نهادهای مختلف، مشروطه به‌خصوص مشروطه اول را به بن‌بست کشاند اما با ظهور تحولات قرن ۱۹ گفت‌مان‌ها و پارادایم‌های تازه‌ای به وجود آمد که پایه و اساس سلطنت مشروطه بود».

تعارض میان گفت‌مان سنتی و مدرن نوعی دوقطبی را جامعه ایجاد کرد که نهایتاً منجر به کودتای سلطنتی و بمباران مجلس از سوی محمدعلی شاه شد. همین امر نیز یکی از دلایلی بود که ما در طول یک قرن هیچ‌گاه نتوانستیم از لحاظ ساختاری به یک مشروطیت متوازن برسیم. همچنین شکاف بین نهاد خلافت و نهاد سلطنت موجب اختلافات درون سلطنتی و اختلاف شاه با نخست‌وزیر از علل استمرار خودکامگی بود. به صورت کلی در تمام قرن بیستم ما در یک دور باطلی قرار گرفتیم؛ با وجود اینکه با نگاهی به قانون اساسی مشروطه و مقایسه آن با وضعیت کشورهای منطقه و جهان در آن دوره، مرتقی بود. تکنیک قوا، سلطنت مشروطه، تشکیل پارلمان و عدلیه، پذیرفتن برابری حقوقی همه آحاد مردم، تضمین آزادی‌های فردی، آزادی مطبوعات و... ازجمله موارد ذکرشده در قانون مشروطه بود که شاید این متن حقوقی نسبت به کلیت جامعه ایرانی در وضعیت مرتقی‌تری قرار داشت. شاید به همین دلیل بود که کسانی مانند ناصرالملک می‌گفتند هنوز مشروطیت برای ایران زود است. آقاجری ادامه داد: اکنون پرسش اساسی این است که آیا ما به لحاظ تاریخی از مشروطیت عبور کرده‌ایم یا همچنان در مشروطیت هستیم؟ می‌توان گفت پارادوکسی وجود دارد. در آغاز قرن بیستم جامعه عقب‌تر از ساختار حقوقی مشروطه

دیپلماسی



ظریف و جبیر مصافحه کردند

برخورد نزدیک در استانبول

به ایران متوهم است. من زمانی که وزیر خارجه بودم، یک‌بار با سعودالفیصل، وزیر خارجه سابق عربستان، در منزلیش در جده دوساعتی صحبت کردم. به او گفتم چرا نسبت به ایران نگران هستی؟ فکر می‌کنید ایران دنبال چیست؟ خداوند به هر دو کشور ایران و عربستان هر آنچه نعمت زمینی است، ازجمله سرزمین، نفت، معادن و... داده، نه ما به سرزمین شما چشم‌داشت داریم و نه شما به سرزمین ما، پس مطمئن باشید ما دنبال اهدافی در عربستان نداریم. ما بالاخره باید تلاش کنیم این توهمی را که در عربستان نسبت به ایران ایجاد شده، اصلاح کنیم. ما به‌عنوان ایرانی می‌دانیم که هیچ نیت سونی علیه عربستان نداریم؛ اما اگر خود را جای سعودی‌ها بگذاریم، می‌بینیم ایران روزبه‌روز در حال قدرتمندترشدن است و این سبب شده که آنها این‌طور فکر کنند. ما صرفاً نمی‌توانیم بگوییم لطفاً این‌طور فکر نکن. ما باید تلاش کنیم این سوءتفاهم را رفع کنیم. سیاست خارجی یعنی همین. عربستان متوهم است، مثل یک بیمار، نمی‌توان به بیمار گفت چرا مریض شدی، باید درمانش کرد. درمانش این است که با شیوه‌های سیاسی بنشینیم و صحبت کنیم و این البته شیوه‌های خودش را می‌طلبد». ایران دنبال دشمنی با عربستان نیست؛ مصافحه ظریف با الجبیر اتفاقی هم باشد، می‌تواند مقدمه‌ای شود برای پایان امور خارجه ترکیه رایزنی کرد. بیش از این نشست، نشست کارشناسان سازمان همکاری اسلامی برگزار شده بود.

فریب‌زست‌های توخالی صهیونیست‌ها را نخورید

ظریف، در این نشست درباره وضعیت قدس و جنایت‌های رژیم صهیونیستی گفت: «ما آخرین رشته از تجاوزهای صهیونیستی را که در بی‌اعتنایی کامل به حقوق بین‌الملل و با هدف تغییر وضعیت تاریخی حرم شریف، تغییر ترکیب جمعیتی و کنترل بر اماکن مقدسه اسلامی در قلب قدس اشغالی صورت گرفت، قویا محکوم می‌کنیم. ما به مردم فلسطین افتخار می‌کنیم که با مقاومت قهرمانانه خود به این اقدام تجاوزکارانه پایان دادند». او ادامه می‌دهد: «قدس شریف در نتیجه محاصره طولانی این شهر، ایست‌های بازرسی، نیروهای اشغالگر، شهرک‌سازی‌های غیرقانونی، اقدامات مسلحانه و خشن شهرکنشینان، تحقیر، تبعیض و سرکوب ساکنان فلسطین، خفه شده است. از سوی دیگر، ما نباید وضعیت دو میلیون فلسطینی ساکن غزه را که تحت محاصره غیرقانونی و مجازات‌های دسته‌جمعی قرار گرفته‌اند و از نیازهای اولیه و حتی حیاتی‌شان در زمینه دارو، آب سالم و انرژی محروم شده‌اند، فراموش کنیم. این کابوس انسانی نیازمند اقدام عاجل از طریق پایان‌دادن فوری به محاصره است». ظریف در بخشی از متن سخنرانی خود اظهار می‌کند: «رژیم اسرائیل همچنان به تمامی درخواست‌های جهانی برای توقف و تغییر در سیاست‌ها و اقدامات نژادپرستانه‌اش علیه مردم فلسطین بی‌اعتنایی می‌کند. ما امت اسلامی باید ابتدا و بیش از هر چیز، باهم برای پویشی جهانی و یکپارچه، متحد شویم و تلاش‌های صهیونیستی را برای مخفی نگاه‌داشتن برنامه‌ها و اقدامات مجرمانه‌شان خنثی کنیم. همه ما باید با هرگونه تلاشی که توجه جمعی ما را از هدفی اصلی که ما را در سازمان همکاری اسلامی گرد هم آورده دور می‌کند، مقابله کنیم. ما نباید به هیچ‌چیز و هیچ‌کس اجازه دهیم آرمان اصلی این سازمان را که ارتقای وحدت امت اسلامی، مقابله با توسعه‌طلبی و اشغالگری صهیونیستی و حمایت از تأسیس دولت مستقل و پایدار فلسطینی به پایتختی قدس شریف است، منحرف کند. ما نباید به صهیونیست‌ها اجازه دهیم برای ما دستور کار تعیین کنند یا مسائل جدیدی خلق کنند و در نتیجه آن، از جنایاتی که علیه همه ما مرتکب شده‌اند، مصونیت یابند. کشورهای اسلامی نباید با زست‌های توخالی و سراب غیرواقعی وعده و وعده‌های آنها همراه شوند». به گفته ظریف ضروری است ما با یک صدا با جامعه بین‌المللی به‌ویژه شورای امنیت ملل متحد سخن بگوییم و از آنها بخواهیم به فرهنگ بی‌کفبری برای رژیم اسرائیل پایان دهد و این رژیم را مجبور کند تا برنامه‌ها و جنایاتش را متوقف کند.او در حاشیه نشست فوق‌العاده وزرای خارجه سازمان همکاری اسلامی با «تو مسودی»، وزیر امور خارجه اندونزی و «مولود جاووش‌اوغلو»، وزیر امور خارجه ترکیه رایزنی کرد. بیش از این نشست، نشست کارشناسان سازمان همکاری اسلامی برگزار شده بود.

چهارشنبه ۱۱ مرداد ۱۳۹۶

۱۹

ادامه از صفحه ۷

آمار می‌گفت من باید بمانم

قالبیاف در برنامه جهان‌آرا درباره ایده «نواصولگرایی» خود هم که با واکنش‌های متفاوتی از سوی هم‌جناحی‌های او مواجه شده، صحبت کرده است.اگرچه مدعی است برای وحدت کنار رفته؛ اما مشخص است از اینکه مجبور شده از نظر اعضای جمنای تبعیت کند، دلخور است. او که پیش از این گفته بود تحلیل رفتارهای پس از انتخابات برخی دوستان، نشان می‌دهد تصمیم‌گیری دراین‌باره در رأس جریان همچنان دچار اختلال است و از لزوم تغییر اساسی در نحوه کنش جریان اصولگرایی سخن گفته بود. در برنامه تلویزیونی هم به اصولگرایان انتقاد کرده و گفته است: «زدووندهای سیاسی‌ای در پشت پرده وجود دارد که مردم نمی‌بینند. ما باید بنشینیم ۵۰ نفر، صد نفر به ما بگویند این کار را بکن. این کار را نکن؟! اینکه نمی‌شود. بزرگ‌ترین مشکل اصولگرایان این است که اهل گفت‌وگو نیستند و خودانتقادی ندارند. فکر نکنند که مبانی اصولگرایی فقط مال ماست و گفت‌مان انقلاب و اصولگرایی را فقط برای خودمان صادره کنیم. آیا عمل ما به اندازه حرف‌زدن‌مان هست؟!».قالبیاف گفته است: «بعد از اینکه من آن نامه را درباره «نواصولگرایی» نوشتم، یک آقایی می‌آید می‌گوید مانیفست سیاسی اصولگرایی را ما نوشتم و کسی هم نمی‌تواند تغییرش دهد. هروقت فکر می‌کنم بخواهیم تغییرش می‌دهیم. این یعنی چه؟! این درست است؟! یعنی همه باید بروند و در خانه‌هایشان بنشینند؟». قالبیاف با اشاره به اینکه هرگز با انتشار آن نامه منظورم این نبود که مدعی رهبری اصولگرایی هستم، گفته است: «ما واقعا نباید برگردیم به این نگاه کنیم که چرا موفق نمی‌شویم؟ کار سیاسی کار اقلعاسی است؛ چرا بر نمی‌گردیم مشکلات را ببینیم؟! اصولگرایان نمی‌توانند با مردم ارتباط برقرار کنند. ما باید بتوانیم مردم را جذب کنیم و درست کار کنیم تا نروسم در انتخابات ۳۰ بر هیچ بیازیم».قالبیاف درباره دلایل آمدنش هم گفته است: «من تا یک روز مانده به فرصت ثبت‌نام، قصد حضور در انتخابات را نداشتم؛ منتهای همه دوستانی که در یک اردوگاه هستیم، بالاتفاق به من گفتند حتما در انتخابات حضور داشته باش. نباید نام کناره‌گیری من را فشار گذاشت. دوستان می‌دانند من تحت فشار تصمیم نمی‌گیرم. دوستان دلایلی آوردند که البته من آنها را قبول نداشتم؛ اما تحلیلی هم خود داشتم که تجمیع اینها من را به این تصمیم رساند که همان‌طور که تکلیف داشتم بیایم، حالا تکلیف به رفتن دارم».

اقامتی به یادماندنی در

بابلسر، متل عسل

فرصتی استثنایی

ویلائی مجهز همراه با صبحانه، ناهار، شام

استفاده رایگان استخر، سونا و جکوزی

استفاده رایگان تور دریایی، بیلیارد

مدت و ظرفیت محدود

۲ شب و ۳ روز

به ازای هر نفر فقط ۱۴۹/۰۰۰ تومان

داخلی ۲۲۱ ۳۵۲۷۷۳۰۰-۲۹ (۰۱۱)

همراه: ۰۹۰۲۵۴۳۶۴۶۶